

رفتار حرفه‌ای وکلاد در آیینہ دادرسی و دادگاه‌های انتظامی

فرامرز زمانی سلیمی

معاون دادرسی انتظامی کانون

سخنرانی مورخ ۱۳۸۲/۹/۲۹ در مورد تخلفات انتظامی

مختص کارآموزان وکالت

جلسه امروز آخرین جلسه از دومین دوره بحث تخلفات انتظامی است که اینجانب مسؤلیت توضیح و تبیین آن را در مورد تخلفات مختص زمان کارآموزی به عهده گرفته‌ام.

حرفه وکالت جزء استثنایی‌ترین مشاغل آزاد است که تحت ضابطه دقیق قانونی قرار دارد و وکلای دادگستری تابع کانون وکلای دادگستری در هر استان مشمول مقررات ویژه انتظامی هستند که دادرسی‌ها و دادگاه‌های انتظامی مربوط که منتخب هیأت مدیره می‌باشند اجرای این مقررات را به عهده دارند و دادگاه عالی انتظامی قضات مطابق ماده ۱۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا و ۷۵ آیین‌نامه آن مرجع تجدیدنظر احکام صادره درجه ۴ به بالا و نیز آرای صادره در مورد تعلیق وکیل یا رد درخواست تعلیق می‌باشد و کارآموزان وکالت برابر ماده ۳۸ آیین‌نامه مذکور با پروانه کارآموزی تحت نظارت وکیل سرپرست می‌توانند کار وکالتی قبول کنند و با وجود مجانی بودن تکالیف کارآموزی از

کارهای وکالتی که تحت نظارت وکیل سرپرست به عهده گرفته‌اند حق الزحمه دریافت کنند. تجویز وکالت کارآموز با ضمانت اجرا و محدودیت‌هایی همراه می‌باشد که موضوع این گفتار است.

ماده ۸۸ آیین‌نامه لایحه استقلال کانون کارآموزان را مشمول مقررات انتظامی دانسته و قابل ذکر است که اعمال مقررات انتظامی مربوط به تخلفات وکلا در مورد کارآموزان عملاً با بعض محدودیت‌ها همراه بوده و در مقابل، مقررات دیگر (قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت) برای کارآموزان در پذیرش دعاوی قیودی پیش‌بینی کرده که عدم رعایت این قیود آنها را در معرض تخلفات ویژه‌ای قرار می‌دهد. آگاهی از این مقررات مصونیت ایجاد کرده و هدف این سخنرانی‌ها احتراز از وقوع تخلفات و مشکلاتی است که در عمل، اغلب به علت بی‌اطلاعی یا بی‌توجهی موجب تعقیب کیفری یا انتظامی کارآموزان می‌شود و در مواردی مسؤولیت‌های مدنی را برای آنها موجب می‌گردد.

قبل از ورود به این بحث به منظور جلب توجه همکاران عزیز به اهمیت این مطالب، طرح چند سؤال را ضروری می‌دانم:

آیا می‌دانید جهل به قانون رافع مسؤولیت نیست؟

آیا این پیش‌فرض قانونی برای اجرای مقررات موضوعه مملکتی که مراحل تصویب و تدوین و انتشار خود را طی کرده باشد با آگاهی واقعی عامه مردم انطباق دارد؟ آیا خانم‌ها و آقایانی که امروز و روزهای دیگر در این جلسات شرکت کرده‌اند مقررات ویژه مربوط به شغل آینده خود را بخصوص در مهمترین ابعاد آن یعنی ضمانت اجرای عدول از ضوابط و مقررات عرفی و قانونی حرفه‌ای که در ابتدای پذیرش آن هستند می‌دانند؟ تا امروز پاسخ این سؤال را از قریب به اتفاق حاضرین در جلسات، منفی شنیده‌ام حالا شما حاضرین در جلسه امروز آیا ضوابط و مقررات خاص کاری خود را به خوبی می‌دانید؟ باید اعتراف کنیم تا ضرورت ایجاب نکرده باشد نه برای شما و نه برای هیچ وکیل دیگر انگیزه‌ای جهت مطالعه و آگاهی مقررات انتظامی وجود ندارد. به همین جهت دادرسی انتظامی در این دوره از کار هیأت مدیره کانون وکلای مرکز آگاهانه و با استقبال مسؤولیت، توضیح و تشریح و تبیین تخلفات انتظامی را برای کارآموزان وکالت به عهده گرفت. این آموزش، کاری است زیربنایی و بنیادین و به همین جهت اهمیت آن

برای مسؤلین دادسرا از کار رسیدگی به تخلفات بیشتر و ارزنده‌تر بوده و اساساً تأثیر مجازات نه در امور انتظامی که در همه موارد تأثیری روبنایی و سطحی است که عمده بازتاب اجتماعی آن تقلیل آلام زیان‌دیده و تسکین تنش‌های فوری افکار عمومی بوده و چنانچه بخواهیم برای مجازات در مفهوم وسیع آن اثری آموزنده قائل باشیم در حد فرد خاطی و خانواده و نزدیکان او فراتر نخواهد بود.

در توضیح و تبیین تخلفات انتظامی بیان این واقعیت ضروری است که هر فعل یا ترک فعلی که واجد وصف مجرمانه باشد حتی در صورت عدم قابلیت محکومیت کیفری (مثلاً فقدان عنصر معنوی و سوء نیت) جز در موارد استثنایی می‌تواند تحت عنوان فعل خلاف شئون یا ترک آن و مغایر حیثیت وکالتی از جهت انتظامی قابل تعقیب باشد و این ویژگی را تخلفات انتظامی، واجد هستند که به محض ترک مسؤولیت‌های مدنی، وکیل یا کارآموز را در معرض تعقیب انتظامی هم قرار می‌دهد.

کارآموزان وکالت برابر ماده ۲۷ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال و نیز تبصره ۳ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت باید حسن اخلاق و حسن رفتار داشته باشند و این ضرورت به عنوان امری ایجابی به گواهی وکیل سرپرست می‌رسد. در صورت فقدان این صفت پس از طی مراحل خاص خود، پروانه کارآموزی باطل می‌شود. این مهمترین موردی است که کارآموز در سلسله تخلفات زمان کارآموزی با آن مواجه بوده و مصادیق آن قابل شمارش نیست زیرا حسن رفتار و حسن اخلاق دامنه‌ای بی‌نهایت داشته و در تمام لحظات و زوایای زندگی اجتماعی فرد می‌تواند متجلی شود و پس از احراز مراتب در کمیسیون کارآموزی و تأیید رییس کانون و در مواردی صدور کیفرخواست، دادگاه انتظامی کانون وکلای پروانه کارآموزی را باطل می‌کند.

دومین تخلف ویژه زمان کارآموزی که در عمل، موارد آن هم بسیار مشاهده می‌شود قبول کار وکالتی توسط کارآموزان وکالت بدون نظارت وکیل سرپرست است (جلوه عملی این تخلف، عدم امضاء وکیل سرپرست در برگه وکالت‌نامه کارآموزی می‌باشد).

بحث تحلیلی نظارت و سرپرستی، مجال وسیعی را طلب می‌کند؛ اینک نظارت پیش‌بینی شده در موارد ۳۷ و ۳۸ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکالت به صورت گواهی حسن اخلاق کارآموز و نظارت در کارهای وکالتی پذیرفته شده کارآموز توسط

وکیل سرپرست چه حد و مرزی دارد و از مقوله نظارت‌های اطلاعی است یا نظارت استصوابی محسوب می‌شود، شاید از حوصله این جلسه خارج باشد. اجمالاً نظرم بر این است که اعمال این نظارت در عمل و عرف جامعه وکالت به شخصیت وکیل سرپرست و علاقمندی او به امر آموزش و اعتقادات شخصی و اجتماعی و فرصت‌های موجود او بستگی داشته و از منظر دیگر به میزان علاقمندی کارآموز و شناخت مسؤلیتی که کار وکالتی برایش ایجاد خواهد کرد. می‌توان نظارت وکیل سرپرست را از وضعیت اطلاعی در دعاوی مورد قبول کارآموزی به استصوابی ارتقاء داد. آنچه در عمل تظاهر دارد این است که به هر حال قبول وکالت بدون امضای وکیل سرپرست در ذیل وکالتنامه برای مراجع انتظامی یعنی دادسرا و دادگاه انتظامی دلیل و اماره‌ای است که کارآموز، کار وکالتی خود را بدون نظارت وکیل سرپرست قبول و انجام داده است مگر این که در مقام دفاع، خلاف آن را اثبات کند و در این بحث بدون هیچ مناقشه‌ای اعتقاد این است که نظارت مورد نظر قانونگذار نظارتی استصوابی است زیرا اگر آن را منحصرأ نظارت اطلاعی تلقی کنیم (آنچه در عمل بسیار مشاهده می‌شود) و با امضاء وکیل در ذیل برگ وکالتنامه دیگر مسؤلیتی برای نظارت وکیل سرپرست قائل نشویم و کار وکالتی پذیرفته شده توسط کارآموز را زها شده توسط وکیل سرپرست فرض کنیم، نقض غرض است زیرا نظارت وکیل در واقع بعد از پذیرش وکالت و مداخله عملی کارآموز، شکل واقعی پیدا می‌کند و نحوه اقدام کارآموز و اجرای وظایف خطیر وکالتی از لحظه پذیرش کار تا خاتمه آن می‌باید با دقت و علاقمندی توسط وکیل سرپرست مورد توجه قرار گیرد و ضمن راهنمایی، تذکرات به موقع، کارآموز را از هر گونه خطا، اعم از قانونی و عملی برحذر دارد و به نظر اینجانب این نظارت با محدود کردن آن به امضاء ذیل وکالتنامه هیچ اعتباری جز تظاهر عین بدون محتوی ندارد. حد کمال این بحث با توضیحات دقیق‌تر مربوط به منع کارآموز از قبول کاری که تجدیدنظر آن در دیوانعالی کشور می‌باشد به عنوان مورد ویژه دیگری مربوط به تخلف کارآموزان روشن‌تر خواهد شد. (آنجایی که تبصره ۳ ماده ۶ قانون صدراالشعار می‌دارد: کارآموزان وکالت قبل از اخذ پروانه وکالت حق وکالت در دعاوی که مرجع تجدیدنظر از احکام آنها دیوانعالی کشور می‌باشد را ندارد)، در مقام تفسیر این تبصره آیا منظور این است که از ابتدا چنین

حقی را کارآموزان ندارند؟ یا اینکه می‌توان ممنوعیت را ناظر به عدم مداخله عملی در دیوان کشور دانسته و تبصره را به این صورت تفسیر کرد؟

اگر آن چنان که از ظاهر قانون پیداست و هیأت مدیره کانون وکلای هم با همین تلقی به مراجع قضائی اطلاعیه داده است، کارآموزان وکالت را از مداخله در دعاوی که تجدیدنظر احکام آن دیوان کشور باشد ممنوع بدانیم، این سؤال مطرح می‌شود که این ممنوعیت با وجود مداخله وکیل سرپرست در همان دعوی و یا وکیل پایه یک دادگستری هم همچنان باقی است.

اعتقاد و استنباط اینجانب این است که مداخله کارآموز در این قبیل دعاوی به همراه وکیل سرپرست جزئی از مراحل آموزشی زمان کارآموزی محسوب می‌گردد و محروم کردن کارآموز در این حد از مداخله، توجیه منطقی ندارد.

و چون وکیل سرپرست در اجرای وظیفه سرپرستی و نظارت خود انجام وظایف و مأموریت‌های وکالتی را می‌تواند از کارآموز درخواست کند و گواهی حسن رفتار و اخلاق پیش‌بینی شده در ماده ۳۷ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال در مقابل همین مأموریت‌ها، قابل اعمال خواهد بود، بنابراین همراهی کارآموز وکالت با قید نام او در وکالت‌نامه‌ای که وکیل یا موکلین منعقد کرده است در تمامی دعاوی حتی دعاوی که تجدیدنظر آن دیوان‌عالی کشور باشد با پیش‌فرض مسؤلیت انحصاری وکیل سرپرست در مقابل موکل، نه تنها نباید ممنوع باشد، بلکه جزئی از آموزش عملی زمان کارآموزی محسوب می‌گردد. ابعاد این بحث در توضیحات مربوط به داشتن دفتر مستقل توسط کارآموزان وکالت روشن‌تر می‌شود. مسأله این است که آیا کارآموزان وکالت مجاز به داشتن دفتر مستقل و پذیرایی از مراجعین در این دفتر می‌باشند؟ در ارتباط با این امر بحث استفاده از کارت ویزیت و یا هر نوع سربرگ و قراردادی که سِمَتِ کارآموز در آن تصریح نشده باشد، مطرح می‌شود.

به اعتقاد اینجانب علی‌الاصول هرکسی حق داشتن دفتر مستقل کار را دارد و کارآموز وکالت هم می‌تواند هر محلی را از جمله جزئی از واحد مسکونی خود برای کار اختصاص دهد اما جایی که این کار با پذیرش موکل به طور مستقل شائبه کار وکالتی را بدون وجود دلیلی بر اثبات کارآموز بودن القاء کند، یقیناً تخلف است همچنان که چاپ

کارت ویزیت و درج قبول کار وکالت با تعیین ساعت و روزهای پذیرایی و با درج شماره موبایل و تلفن بدون تصریح سمت کارآموزی، تخلف انتظامی محسوب و کارآموز وکالت را در معرض تخلف کتمان عنوان کارآموزی و قبول کار به وسیله یا وسایل فریبده قرار می‌دهد. این وضعیت در مواردی می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای برای طرح سوءرفتار و مخاطره ابطال پروانه کارآموزی، فرد خاطی را تهدید کند.

دیگر تخلفات ویژه کارآموزان، سرپیچی و بی‌اعتنایی نسبت به تکالیفی است که در دوره کارآموزی مکلف به انجام آن هستند، این تألیف به طور روشن و صریح در ماده ۳۶ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا تعیین و مشخص گردیده و بی‌توجهی کارآموز در اجرای آن با سوءاجرا، کارآموز وکالت را علاوه بر مشکل عملی تجدید دوره کارآموزی و یا تأخیر در تحصیل پروانه وکالت و محرومیت از شرکت در آزمون اختبار، با خطر طرح موضوع در دادسرای انتظامی بالاخص در مواردی که با حقوق اشخاص ثالث مرتبط باشد، مواجه می‌کند (ماده ۳۶ آیین‌نامه اشاره به لزوم انجام کارهای معاضدتی - شرکت در سخنرانی‌ها - حضور در جلسات دادرسی مراجع قضائی و انجام کار در کانون وکلا اعم از دادسرا و دادگاه و قسمت معاضدت و قسمت‌های دفتر دارد).

پس از اینکه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، بند ۸ ماده ۳۲ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا را به لحاظ خروج آن از حیطه اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده و باطل کرد، عملاً منع ادامه اشتغال کارآموزان وکالت در سازمان‌های دولتی و مؤسسات وابسته به آن، برداشته شد، در این مورد بدیهی است تکلیف صدور پروانه وکالت پایه یک دادگستری متفرع بر گواهی قطع رابطه استخدامی و مآلاً آرایه مستند، دایر بر حسن انجام خدمت خواهد بود و پنهان کردن این اشتغال یا تملل در قطع رابطه استخدامی، علاوه بر مسؤلیت انتظامی، مانع صدور پروانه وکالت برای کارآموز خواهد بود. همچنان که برابر ماده ۴۳ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا و بند ۱ ماده ۸۰ آیین‌نامه قانون مذکور، وکلا و کارآموزان از اشتغال به کارهایی که منافی شئون وکالت باشد منع شده‌اند و با تذکر این امر از طرف کانون و ادامه آن متخلف شناخته می‌شوند.

در پایان بحث تخلفات ویژه زمان کارآموزی، طرح این سؤال نیز به علت وجود

مصادیق خارجی آن و بعضاً طرح موضوع در دادسرای انتظامی، ضرورت دارد که آیا کارآموز یا وکیل دادگستری می‌تواند از امکانات تبصره ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۹ برای تحصیل پروانه در ضمن وابستگی به کانون وکلای دادگستری استفاده کند؟ یا اینکه قبول وکالت به اتفاق دارندگان پروانه کارآموزی یا وکالت به طور مشترک از جهت انتظامی در مواردی که موضوع به هر طریق در کانون مطرح شده باشد چه وضعی دارد؟

علی‌القاعده نظر اینجانب این است که اگر نتوانیم آن را به علت نبودن نص صریح، تخلف تلقی کنیم، از جهت شخص کارآموز، قبول کار وکالتی به همراه دارندگان پروانه وکالت موضوع ماده ۱۸۷ از نظر حرفه‌ای ارزش کار آنها را به لحاظ برداشت‌های خاص موکلین، تقلیل داده و به علاوه داشتن پروانه کارآموزی و وکالت با پروانه موضوع ماده ۱۸۷ قابل جمع نبوده و با اخطار لازم از طرف کانون می‌باید وکیل یا کارآموز مربوط، بین عضویت کانون وکلا و داشتن پروانه ماده ۱۸۷ اشعاری، یکی را انتخاب کند و بی‌توجهی به اخطار کانون و دادسرا می‌تواند به عنوان تخلف انتظامی مطرح و مورد تعقیب و رسیدگی قرار گیرد.